

یادداشت‌های فلسفی

(نگریستن از منظر یک زندگی)

مسعود آید

دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز

انتشارات شفيعی

۱۳۹۹

سرشناسه	: امید، مسعود، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: یادداشتهای فلسفی: (نگریستن از منظر یک زندگی) / مسعود امید
مشخصات نشر	: تهران: شفیعی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۴ ص: ۱۲×۴۱ س.م.
شابک	: 978-964-784379-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: نگریستن از منظر یک زندگی.
موضوع	: زندگی
موضوع	: Life
موضوع	: امید، مسعود، ۱۳۴۵ - -- یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره.
موضوع	: راه و رسم زندگی -- فلسفه
موضوع	: Conduct of life -- Philosophy
موضوع	: فلسفه و دین
موضوع	: Philosophy and religion
رده بندی کنگره	: BDr
رده بندی دیویی	: ۱۲۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۶۱۰۶

یادداشتهای فلسفی

(نگریستن از منظر یک زندگی)

مسعود امید

ناشر: انتشارات شفیعی

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۵۰

شابک: ۹-۷۸۴۳۷۹-۷۸۸-۹۶۴

حق چاپ و نشر برای انتشارات شفیعی محفوظ است.

آدرس: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اِزْدیبهشت،

شماره ۶۵، طبقه همکف تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱۱
یک: زندگی، موضوعی برای فلسفه ورزی	۱۵
دو: نحوه کلام اندیشیدن به زندگی	۱۶
سه: قهر و مهوری، علم و تکنولوژی	۱۷
چهار: آزادی، معنای سیاسی و به معنای اختیار	۱۸
پنج: برهان جایزه در بار اختیار	۱۹
شش: ایدئولوژی ایجابی، ایدئولوژی سلبی	۲۰
هفت: دیالکتیک چهار عنصری	۲۱
هشت: فلسفه غرب معکوس	۲۳
نه: شک فلسفی	۲۵
ده: آیین‌های سنتی و مدرن	۲۷
یازده: روحیه دینی	۲۹
دوازده: بدگمانی به فیلسوفان	۳۰
سیزده: آسیب فلسفه به اخلاق و دیانت در مقایسه با آسیب سراسر	۳۲
چهارده: آگوستین و آنسلم: در پی بهترین فهم از خدا یا شناخت خدا	۳۵
پانزده: ذلیلت دیگر تجربه‌ها نسبت به محصولات و تجربه‌های تکنولوژیک	۳۷
شانزده: توصیف آدمی بر حسب چه؟ ذات داری، شبه ذات داری، بی ذاتی یا	۴۰

هفده:	عمق عدمی جُک: جُک، تغییر فرم امر معدوم (نکته‌ای در باب فلسفه جُک)	۴۳
هجده:	تقسیمی دیگر در باب شک و شکاکیت	۴۶
نوزده:	مساله نظم در بی‌نظمی و تمثیل صف نان	۴۸
بیست:	در باب رابطه منطقی شر متافیزیکی با شر غیر متافیزیکی	۵۱
بیست و یک:	راه‌های حل و رفع و دفع هراس از مرگ و بی‌معنایی	۵۴
بیست و دو:	منم دانم یا می‌دانم که نمی‌دانم؟	۵۷
بیست و سه:	مراحل وجودی پس از انقلاب	۵۸
بیست و چهار:	مرگ ایدئولوژی و ظهور فلسفه	۶۳
بیست و پنج:	نسب‌ها، ما با جهان	۶۴
بیست و شش:	پدیدارشناسی یک در گذشت	۶۶
بیست و هفت:	فلسفه و دین	۷۳
بیست و هشت:	فلسفه زیسته یا فلسفه نای زیسته؟	۷۶
بیست و نه:	تاریخ فلسفه و مرگ فیلسوف	۷۸
سی:	سه سطح از مباحث فلسفی	۸۰
سی و یک:	تفاوت اسلام ایدئولوژیک و اسلام معنوی	۸۲
سی و دو:	پرورش اندیشه‌های فلسفی	۸۴
سی و سه:	سه سطح فلسفه آموزی	۸۷
سی و چهار:	فلسفه چیست؟ یک پاسخ دم‌دستی!	۸۹
سی و پنج:	خود را در ذیل چه مقوله‌ای بفهمیم؟	۹۰
سی و شش:	عقل، عقل عقل، عقل عقل، عقل عقول	۹۲
سی و هفت:	جنگ و صلح	۹۳
سی و هشت:	بذیل‌پذیری جنگ تمام عیار و نظامی؟	۹۵
سی و نه:	پدیدارشناسی مرگ: سایه‌ها، معانی و تداعی‌های مرگ ...	۹۷

۱۰۲	چهل: هستی چهل تکه و نسبت ما با آن؟
۱۰۳	چهل و یک: در باب هیچ
۱۰۴	چهل و دو: نگاه استعاری به تاریخ فلسفه
۱۰۶	چهل و سه: وجه دینی بودن در فلسفه‌های دینی
۱۰۸	چهل و چهار: قدرت باید و درست و قدرت امید
۱۰۹	چهل و پنج: تحول معنای علم
۱۱۱	چهل و شش: تکنولوژی به مثابه نحوه وجود و نگرستن از منظر آن
۱۱۵	چهل و هفت: پرسش از قدرت یا قدرت قدرت؟
۱۲۱	چهل و هشت: رایت ایران و ذیلیت و تدرج آن
۱۲۵	چهل و نه: فلسفه شش: دیده‌ها در باب دانشگاه و معنای دانشگاه
۱۲۸	پنجاه: فلسفه انتخابات متعلق به کی چیست؟
۱۲۹	پنجاه و یک: فهم آگنی بر سبب سطوح جهالت آن
۱۳۲	پنجاه و دو: گذر از منطق ارسطو به دیگر منطق‌ها
	پنجاه و سه: نگاه کاربردی به طرح یک گزاره‌ها به حملی و
۱۳۵	شرطی
	پنجاه و چهار: نسبت علم پیشین الهی و اختیار آدمی: تحمیلی یا
۱۳۹	غیر تحمیلی
۱۵۳	پنجاه و پنج: فلسفه پرسش
۱۵۴	پنجاه و شش: خداوند ذیل کدام مقوله قرار می‌گیرد؟

ما عملاً فرصت آن را نداریم تا تمام ایده‌ها و نکته‌های ذهن و ضمیر خود را در قالب نوشته‌ای مفصل، مقاله یا کتاب درآوریم. اما از سوی دیگر تمایل داریم تا آنها را در قالب گفتار و نوشتاری درآوریم. یک راه حل ساده آن است که ذهنیات و ضمیریات خویش را به تدریج در قالب یادداشت‌هایی بنگاریم و ارائه دهیم. این یادداشت‌ها در حکم سپرده و اندوخته‌ای خواهند بود تا در فرصت مناسب بتوانیم آنها را به تحقیق نشینیم و لباس تفصیل بر آنها بپوشانیم.

در مکتوبات قدیم ما با تباری از قبیل کشکول نویسی سروکار داشتیم که مشتمل بر نکاتی نغز در باب تمام حوزه‌های علوم اعم از غیر دینی و دینی و... بود؛ این جریان سپس تر تحت عنوان «کته‌ها» یا هزار نکته در آمد و امروزه با چیزی به نام یادداشت‌ها سروکار داریم که از حالت تخصصی در یک رشته برخوردارند، گویی کشکول نویسی تخصصی است.

در این یادداشت‌ها سعی کرده‌ام تا به مسایل از منظر زندگی خود و از طریق تجربیات فلسفی که طی سالیانی چند اندوخته‌ام (در افق فهم، انتظارات، مطلوب‌ها و... زندگی‌ام)، بنگرم و بنگارم اما به زمان فلسفی، گویی این یادداشت‌ها خاطرات فلسفی اند. می‌توانم این را نیز بیفزایم که این یادداشت‌ها نشان از آن دارند که این قلم، در این چند سال، زندگی را بر درآورد؛ از قبیل همین موضوعات و مسایل زیسته است. روشن است که یادداشت‌های فلسفی لزوماً عزم طرح دقیق و حل‌نهایی و تخصصی مسایل فلسفی را ندارد بلکه در حکم پاسخ‌هایی اولیه است به دغدغه‌ها و پرسش‌های فلسفی؛ یعنی بیشتر در حکم طرح واره‌های اولیه و سیاه قلم‌هایی تحلیلی و فلسفی به شمار

می‌آیند. این یادداشت‌ها، مجموعه‌ای است که در میان اهل فلسفه به کار مبتدیان و تا حدی متوسطان می‌آید تا متخصصان و اهل فن.

شاید روال پیدایش چنین یادداشت‌هایی چنین است که: ما نخست به زندگی مملو از داشتن‌ها و بودن‌ها، سطحی بودن‌ها و عمیق بودن‌ها، قبض‌ها و سطرها، شهوت‌ها و غضب‌ها، ناداری‌ها و دارایی‌ها، مواجهات و مخاطرات، ظاهرها و صواب‌ها، جوش‌ها و خروش‌ها، خطررها و خاطرها، شورها و شرها، اندیشه‌ها و هراس‌ها، خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، رازها و رمزها، زیبایی‌ها و زشتی‌ها، سرب‌ها و بدها، درست‌ها و نادرست‌ها و... ادامه می‌دهیم. و آنگاه در این میان، غدغه‌ها و گره‌ها و تاریکی‌ها و ابهام‌ها و پرسش‌هایمان همچون تموجی در دریا در آن و ضمیر و ناخودآگاه و نیمه آگاهمان شکل می‌گیرند. در ادامه، این امواج به رت و ویژه خودشان وارد عالم ذهن و اندیشه‌مان می‌شوند. سپس آب همین غدن و برق‌هایی چند و در مجالی اندک و زودگذر رخ می‌نمایند و طلوع می‌کنند ولی پس از آن محو می‌شوند و غروب می‌کنند (این حالت اخیر برای بسیاری از اوقات پس از خواب یا در تنهایی و نیز حین پیاده روی‌های انفرادی رخ می‌دهد).

برای شکار چنین اندیشه‌های گذرا چه باید کرد؟ نخست، منتظر باید بود و صبر پیشه کرد تا به وقت خود جرقه‌های اندیشه، خود را نشان دهند و دوم، باید با عطف توجه بدان‌ها، آنها را به دام افکند و با نور ساخت و پروراند تا اسباب بارش را فراهم آورند و باریدن آغاز کنند و سپس خود را به زیر شلاق باران ایده‌ها و اندیشه‌ها بردن و گذاشتن تا بر ما ببارند و نم بباران آنها را با تمام وجود حس کردن. یادداشت‌ها و تأملات، محصول همین مرحله اخیراند و عرض اندام آنها گاهی مختصر است، گاهی مفصل و گاهی بسیار مفصل؛ بسته به شدت رعد و برق ایده‌ها و شور و حال و وقت و حظ و عمق و فکر شخصی که در معرض آنهاست.

اندیشه‌ها برای شیخ اشراق از سنخ نور بودند و منور (در کتاب حکمه الاشراق) و برای ویتگنشتاین از سنخ رنگ (در عنوان کتاب آبی و قهوه‌ای

وی)، اما می‌توانند برای برخی از سنخ بو و عطر نیز باشند (بوی یاس و...) و شاید طعم (طعم زنجبیل و بیدمشک و...)، و یا هر دو (بو و طعم گلاب و...)، خلاصه اندیشه‌ها می‌توانند عطری و بویی و طعمی نیز داشته باشند. می‌توان بو و عطر اندیشه‌ها را استشمام کرد و خود را در معرض درک و لمس آنها قرار داد. این یادداشت‌ها، نور و رنگ ندارند ولی شاید عطر و بویی و مزه‌ای - شیرین، ملس، تلخ - داشته باشند.

در این یادداشت‌ها در هر بابی سخنی فلسفی به میان آمده است اما این امر را بیشتر از این جهت می‌دانم که زبان فلسفی و فلسفه، امکان حضور و کاربرد در موضوعات و مسایل متعددی را دارد. فلسفه و فلسفه ورزی چیزی نیست که محصور در موضوعات تعریف شده کلاسیک باشد.

روشن است به این یادداشت‌ها خون زمان و شرایط آن را بر رگ و پی خود دارند و همانگونه که زمان گرهر وجود را درمی‌نوردد و آن را به تیش و می‌دارد و پی در پی آن را چیزد، گرم می‌سازد و آن را در قبض و بسط می‌افکند، به همین روال بر ماهیت و مفاد و معنا و مصداق یادداشت‌های این اثر نیز موثر است. آنچه دیروز نوشته شد، است ممکن است امروز فرو گذاشته شده است یا لباس دیگری بر تن کرده است و قیاس معنای دیگری به خود گرفته است.

فضای تولید و نگارش یادداشت‌ها به دوره پیش از کرونا می‌گردد و اما فضای ویرایش و اصلاح آنها به دوره حصر خانگی و کرونا شباهت دارد. اگر وقتی آرام تر و متعارف تر در کار بود امر ویرایش و اصلاح بیش از اینکه است، انجام می‌گرفت و سیرت و صورت نیکوتری می‌یافت. قرنطینه وضعیت است که در آن می‌توان تنها از طریق چنین فعالیت‌هایی تنفس کرد و اندیشیدن را سرپا نگهداشت. در پایان سپاسگزار آقای شفیعی هستم که کمر همت به نشر این اثر بستند و آنچه لازم بود در امر چاپ و نشر این اثر فروگذار نکردند.